



مهندس محمد فرضیان، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران



# با خشت هم می توان حمام ساخت!!

## در گفتگویی با مهندس محمد فرضیان

چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

**چیدمان: تأثیر فناوری‌های ساخت بر معماری داخلی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

گاه منظور از فناوری محصولات متنوع و نوینی است که به بازار می‌آید و به سرعت فضاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، گاه منظور فناوری‌ای است که به مدد آن کار را اجرا می‌کنیم و گاه ابزارهایی است که کار را ساده‌تر می‌کنند.

امروزه عرصه‌های زندگی ما تأثیر مثبتی از این محصولات متنوع عایدش نشده است. شاید سرعت بالای عرضه مواد و مصالح جدید فرصت شناخت کافی و استفاده درست را از طراحان گرفته است. سعی طراحان تنها به مصرف این مواد معطوف است بدون اینکه به چرایی و چگونگی و مناسبت و درستی استفاده از آن بیاندیشند.

یک پدیده همه گیر در جامعه وجود دارد. وقتی آلکوباند سر و کله اش پیدا شد، یکی از بانک‌ها که تازه شعباتش را با سنگ تراورتن به شکل خاصی برای برندسازی بازسازی کرده بود، روی همان نماها آلکوباند چسباند. عجیب نخواهد بود که همین روزها روی نمای ادارات و سازمان‌ها و بانک‌ها چوب outdoor و صفحات HPL هم چسبانده شود. هرچه دیرتر به خود بیاییم، از ذات هنر گذشتگان دورتر و در درست انجام دادن کار ناتوان‌تر و در تشخیص کار درست عقیم‌تر می‌شویم.

همین پدیده باعث شد در درس «تکنولوژی معماری داخلی» دانشجویان تکلیف خاصی را انجام دهند. باید در شهر بگردند، از نزدیک با مواد و مصالح و شیوه‌های کار با آن‌ها آشنا شوند، و برای کلاس نمونه بیاورند. انواع لوله‌ها، چرم طبیعی و مصنوعی، کاغذ و مقوا، براق آلات، منسوجات، روکش‌ها، شیشه، ظروف، چسب‌ها و... را ببینند. اینکه آن‌ها را از کجا می‌توان تهیه کرد، چه ابعادی دارند، عددی یا وزنی یا مساحتی آن‌ها را می‌فروشند، تاکنون چه مصرفی داشته، و بسیاری نکات دیگر را در کلاس گزارش دهند. بعد باید با آن ماده و محصول چیزی بسازند، چیزی نو و تازه که تا آن وقت آنگونه به کار نیامده باشد. با این هدف که نگاه کلیشه‌ای را کنار بگذارند و سعی کنند به ماده شرافت ببخشند.

در عرض چند نیم‌سال گذشته نمونه‌های بسیار اعلایی ساخته‌اند.

{ که کاش موزه‌ای به نام موزه طراحی در دانشکده داشتیم که این نمونه‌ها در آنجا قرار می‌گرفت. }

نمونه اول چراغی است که از لوله هود آشپزخانه ساخته شد. بدون پایه روی زمین می‌نشیند و رشته‌ای از لامپ‌های کوچک درون آن است و

محمد فرضیان متولد سال ۱۳۳۳ در تهران است. وی دارای مدرک کارشناسی ارشد (سال ۱۳۵۸) مهندسی معماری از دانشگاه تهران است. با اینکه سرماخورده و صدایش گرفته بود در کمال تواضع و فروتنی در موعد قرارمان ساعت ۱۲ روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۹۵ در پردیس هنرهای زیبا حضور پیدا کرد، در گفتگویی دلنشین با او نشستیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم در ابتدا به موضوعاتی که دغدغه ذهنش بود پرداخت و گفت:

هنرمندان ما هنرمند نبوده‌اند، کار برایشان بندگی بود و خدا را صاحب کار می‌دانستند. به دنبال کمال بودند. در هر صنعتی که بودند، ادب آن را داشتند و برای کسب ادب، آداب آن را رعایت می‌کردند. در کار و از کار کم نمی‌گذاشتند. کار را عمل خود می‌دانستند و باور داشتند که عمل خود را خواهند دید و این گونه بود که کار روحشان را صیقل می‌داد و از این وجود شریف، لطیف و عالی هر آنچه صادر می‌شد شریف، لطیف و عالی بود که «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

روح صیقل یافته او کار بهتری عرضه می‌کرد، و کار بهتر او را بیشتر صیقل می‌داد و در این دور ناتمام، هنر او عالی‌تر می‌گشت و هیچ‌گاه به فکر این که اثری هنری تولید کند نبود که اگر بود به این مرتبه نمی‌رسید.

آثار فاخر گذشتگان ما از زنجیر و حلقه در تا نقش خورجین و تنگ چهارپا، از نقش دستار تا گنبد مساجد، از نقوش آجری سردر خانه‌های دزفول تا پوشش‌های شبستان مسجد جامع اصفهان، خبر از «بیکرانگی وادی طراحی» می‌دهد. ساحتی مقدس و حیرت‌انگیز که می‌شود آن را دید، شنید و چشید اما نمی‌توان گفت. طراحی ناب و اصیل شغل نیست، درک و دریافتی است که در عمل ظاهر می‌شود. در وادی طراحی جواب را می‌یافتند و عرضه می‌کردند. خود را اسباب انجام کارهای مردم و برآوردن حاجات آن‌ها می‌دانستند.

مراقب باشیم که اگر از هنر اسلامی حرف می‌زنیم معنایش این نیست که در آن ساحت ایستاده‌ایم و قد و قواره ما شانه به شانه گذشتگان ماست.

بعضی می‌خواهند با یافتن قواعدی در ظاهر آثار و کشف تناسب در خطوط نقشه و نما، با محاط کردن مقطع یک مسجد در پنج ضلعی، با یافتن محل تلاقی اقطار یک نقشه، با تشبیه نقشه یک مقبره به «مندله» هندی، با تعیین ارتفاع مناره یک مقبره بر اساس سن کسی که در مقبره دفن شده، به هنر و معماری اسلامی دست پیدا کنند که به قول مولوی به صورت رفته‌اند و گم گشته‌اند.





تصویر شماره ۲: آباژور شبیه لانه کبوتر



تصویر شماره ۱: کرم شب تاب، طراح: ساینما محمدی

به کار می رود مثل نقش‌هایی که روی کف و بدنه کار می شود.

به خوبی آشکار است که موقعیت اشیاء، شکل، جنس، بافت، رنگ و نسبتی که طراح میان همه آن‌ها برقرار می کند کیفیت فضا را می سازد. اما نکته دیگری نیز قابل تأمل است. هنگامی که طراح سعی دارد هر ماده و مصالحی را با توجه به استعدادهایش در جای خودش کار کند، به ماده شرافت ببخشد و برای حل مسأله راه‌های تازه‌ای بیاندیشد مرتبه دیگری از کیفیت در فضا ظاهر می شود.

در یک نشیبه عکسی از یک حمام با ابعاد ۳×۳ بود که دیوارهایش کاشی نداشت و به خودش آب جذب می کرد. لوله آب دوش از دیوار بیرون آمده و چرخی در فضا زده بود. یک دریچه مشبک و بزرگ چدنی در زیر دوش قرار داشت و پرده به دایره بالایی آویخته بود. به خاطر پرده هیچ آبی به دیوارها نمی پاشید و نیازی به کاشی کردن دیوار نبود. اینجا می شود جزئیات را فهمید: رابطه‌ای چند سویه بین بستر، کاربری، مواد و مصالح، امکانات و ابزار.

قطر این لوله آب متناسب با طول و وزن خودش و وزن پرده و حرکتی که با باز و بسته شدن پرده می کند و شوکی که باز و بسته شدن شیر آب به آن می دهد تعیین می شود. آیا این وزن از یک نقطه به دیوار طره شود و یا از بالا با کابل مهار شود؟ چگونه می شود جلوی چرخش این لوله را گرفت تا دایره آن کاملاً افقی بماند؟ این دریچه چگونه روی کف قرار گیرد؟ پرده چگونه به این لوله وصل شود تا خوب حرکت کند؟ جنس پرده از چه باشد؟

وقتی تمامی مسائل را در این حمام از نکات فوق تا جنس دیوار و جنس کف و ابعاد و ارتفاع و نور و بسیاری نکات دیگر اعم از اجرا، دوام، تعمیر و نگهداری را در نظر گرفتید، آن وقت فضا با تمام جزئیات شکل گرفته است. اینجا است که می شود پرسید شکل این حمام به تمام معنا ناشی از چیست و شاید باید گفت که با خشت هم می شود حمام ساخت. ■

نامش «کرم شب تاب» شد. لوله‌ای که قبلاً برای عبور دود و بخار بود حالا نور را در خود جای می دهد و رنگ شیری و مات آن نوری شیرین و گرم به فضا هدیه می کند. فنر هم که باعث می شد لوله به سادگی مسیر را از پشت هود تا دریچه دودکش طی کند، حالتداعی بندهای بدن کرم شب تاب را دارد که سر در خودش فروبرده و در گوشه اتاق آرمیده است. سازنده این اثر نفیس در عمل «شرافت بخشیدن به ماده» را فهمید. هم استعداد خودش بالفعل شد، و هم استعداد ماده را آشکار کرد. این همان چیزی است که پیشتر به آن اشاره شد که درس دانی و گفتنی نیست، که رسیدنی و یافتنی است و تنها حین عمل اتفاق می افتد.

هنگامی که در کلاس سازنده اثر از ابتدا تا انتها هرآنچه که در حین ایجاد این اثر پیش آمده است برای کلاس بازگو می کند همه می بینند که چگونه باید آغاز کرد، چگونه برای حل مسائلی که قابل پیش بینی نیست باید آماده بود، چگونه تجربیات کوچک و دور قبلی یکبار به کار می آید و راه حل مسأله پی در پی باز می شود. یعنی عاشقانه جستجو و کار کردن را و در آخر کار نتیجه وظیفه گرایی را مشاهده می کنند.

دانشجوی دیگری با توری فلزی که صافی روغن‌های صنعتی است آباژوری شبیه لانه پرنده ساخت و جای دیگری قابلمه جای کف‌شور بام را گرفت.

طراح باید قابلیت مواد را درک کند تا بتواند از هر کدام از آن‌ها در جای مناسب استفاده کند، به توانایی ابزار آگاه باشد و فناوری را در جای خودش قرار دهد تا بتواند درست طراحی کند.

#### چیدمان: نقش جزئیات در معماری داخلی چیست؟

گاهی جزئیات به معنای اجزای یک فضا به موقعیت هرکدام به کار برده می شود، اعم از اشیاء، جنس، بافت، رنگ، و... مثل کاغذ دیواری، مبیل، سرامیک کف و نوع سقف کاذب. گاهی به معنای شیوه حل مسائل فراوانی که در ساخت یک فضا وجود دارد به کار می رود مثل آستانه سنگی برای آشپزخانه و یا چفت‌هایی که بین قطعات دیوارپوش باید گذاشت، و گاهی به معنای ریزه‌کاری‌ها و پرکاری‌ها

